

امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ و مفاهیم اخلاقی

(۸)

اخلاق سیاسی

حسن ابراهیم زاده

ابراهیم زاده، حسن. ۱۳۱۶ -

اخلاق سیاسی / نویسنده حسن ابراهیم زاده. — تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۶. ۱۵۴ ص. — (امام خمینی رحمه الله و مفاهیم اخلاقی، ۸)

ISBN: 978 - 964 - 335 - 876 - 1

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابخانه: ص. ۱۵۱ - ۱۵۴؛ همچنین به صورت زیر نویس.

۱. خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸. — نظریه درباره سیاست — اخلاق. ۲. اخلاق و سیاست. ۳. اسلام و سیاست. الف. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) - دفتر قم. مؤسسه چاپ و نشر عروج. ب. عنوان.

۹۵۵ / ۰۸۴۲

DSR ۱۵۷۴ / ۵ / ۹

۱۰۳۰۶۰۸

کتابخانه ملی ایران

کد / م ۲۲۵۱



مؤسسه چاپ و نشر عروج

اخلاق سیاسی

- طرح و نظارت: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) - دفتر قم
- نویسنده: حسن ابراهیم زاده
- ناشر: چاپ و نشر عروج (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س))
- چاپ اول: ۱۳۸۶
- شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه
- قیمت: ۹۰۰ تومان

• خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و فخر رازی، فروشگاه مرکزی. تلفن: ۶۶۴۰۹۸۷۲ - درنگان: ۶۶۴۰۰۹۱۵

• خیابان انقلاب، تقاطع حافظ، فروشگاه شماره ۸. تلفن: ۶۶۷۰۱۲۹۷

• مراکز پخش: خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای زاهدی، فروشگاه شماره ۲. تلفن: ۶۶۹۵۵۷۳۷

• حرم مطهر حضرت امام خمینی (س)، ضلع شمالی، فروشگاه شماره ۳. تلفن: ۵۵۲۰۴۸۰۱

• کلیه نمایندگیهای فروش در استانها

نشانی الکترونیکی: pub@imam-khomeini.ir

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۳	پیش‌گفتار
۱۵	سیاست، آینه اخلاق
۱۹	تفکیک ناپذیری اخلاق از سیاست

انقلاب اخلاقی امام خمینی علیه السلام

۲۱	انگیزه‌های اخلاقی قیام امام خمینی علیه السلام
۲۴	برخورد اخلاقی، اولین گام مبارزه
۲۸	برخورد اخلاقی امام با شاه
۲۹	برخورد قانونی، دومین گام
۳۲	اعلام مبارزه، سومین گام

اخلاق انقلابی امام علیه السلام

۳۵	عدم باور به مبارزه مسلحانه
۳۹	عدم تمایل به حزب‌گرایی و رفتار حزبی
۴۲	عدم نگرش تاکتیکی به احزاب و دستجات سیاسی
۴۴	رابطه اخلاقی امام با یاران خود

- ۵۱ محوریت مهربانی در مثنی سیاسی
- ۵۴ مردم در مکتب اخلاقی امام
- ۵۵ الف - امت برگزیده
- ۵۵ ب - برادر رهبر
- ۵۶ ج - صاحب و حافظ اصلی انقلاب

تجلی اخلاق در حکومت امام

- ۶۳ برخورد عادلانه در مثنی سیاسی
- ۶۶ نفی تبعیض
- ۶۷ نفی تبعیض در بیان اعتقادات
- ۶۸ رعایت قانون
- ۷۲ خدامحوری در انتخاب افراد
- ۷۶ امام و مستقدان
- ۸۰ امام و روشن فکران
- ۸۳ امام و جوانان
- ۸۸ امام و عنصر هدایت در سیاست خارجی
- ۹۰ مکتب اخلاقی و سیاسی امام
- ۹۷ اصالت هدایت در حرکت امام
- ۹۹ تکلیف مداری در اندیشه امام
- ۱۰۰ حفظ حرمت انسان در پیشبرد اهداف
- ۱۱۰ رابطه ساده‌زیستی و مقابله با ظلم در اندیشه امام
- ۱۱۱ دکترین ساده‌زیستی مسئولین

امام و ریزش‌های انقلاب

۱۲۱		آقای بازرگان
۱۲۶		آقای شریعتمداری
۱۳۱		آقای بنی‌صدر
۱۳۵		برخورد عادلانه
۱۳۹		آقای منتظری
۱۴۷		خاتمه
۱۴۷		ما و میراث امام
۱۵۱		کتاب نامه

مقدمه

حجاب‌های چندی، نسل جوان را از شناخت اندیشه‌های جامع و منظومه فکری و گستره شخصیت امام خمینی علیه السلام باز می‌دارد. یکی از این پرده‌ها، حجاب معاصرت یا هم روزگاری است. این نکته موجب شده است تا دقیقاً گستره و نفوذ اندیشه و آرای امام آن گونه که باید، شناخته نشود. غلبه بر این مانع غالباً تنها از طریق گذر ایام حاصل می‌گردد.

دومین حجاب نقش قدرتمند سیاسی امام است. چهره مسلط امام در عرصه سیاست چند دهه اخیر کشورمان، هرچند برکت‌زا و ارجمند بوده، اما مانع از آشکار شدن دیگر ابعاد ایشان گشته است. در نتیجه بُعد سیاسی ایشان بر دیگر ابعاد و به ویژه بعد اخلاقی و عرفانی ایشان غلبه داشته و کسانی که ایشان را می‌شناسند بیش‌تر از رهگذر سیاست است.

سومین حجاب، پیشینه علمی ایشان و واژگان خاصی است که برای بیان اندیشه‌های خود برمی‌گزیدند. ایشان به دلیل بهره‌مندی گسترده از دانش‌های مختلف اسلامی چون فقه، اصول، تفسیر، کلام، عرفان و فلسفه، دارای واژگانی گسترده بودند. نگاهی به آثاری چون شرح چهل حدیث یا شرح حدیث جنود عقل و جهل این نکته را آشکارتر می‌سازد. این گستره واژگانی

گرچه بیانگر عمق اندیشه‌های امام است، اما فهم آرای ایشان را برای کسانی که از چنین زمینه‌ای برخوردار نیستند، دشوار می‌نماید.

مجموعه "امام خمینی علیه السلام و مفاهیم اخلاقی" کوششی است برای فرارفتن از پاره‌ای از این حجاب‌ها و آشنا ساختن نسل جوان با یکی از ابعاد اساسی امام؛ یعنی بعد اخلاقی. نویسندگان این مجموعه کوشیده‌اند تا مفاهیم کلیدی اندیشه اخلاقی امام را به گونه‌ای منظومه‌وار توضیح دهند و زمینه را برای درک کامل‌تری از آرای اخلاقی امام فراهم آورند. مفروض نویسندگان این مجموعه آن بوده است که نقطه عزیمت امام، اخلاق بوده و حتی نگاه ایشان به سیاست از این منظر بوده است، لذا پدید آوردن چنین مجموعه‌ای برای فهم اندیشه مرکزی ایشان لازم است.

در ارائه این مجموعه جنبه‌های زیر مورد توجه خاص نویسندگان بوده است:

۱. رعایت نثر معیار و توجه به اصول درست نویسی؛
۲. رعایت جنبه برانگیزندگی در نوشته، چرا که هدف اخلاق، برانگیختن انسان و تشویق او به تغییر خویش است، و در عین حال پابندی به جنبه استدلالی بحث؛
۳. بهره‌مندی از میراث ادبی و اخلاقی گذشته و پیوند آرای امام بدان؛
۴. کوشش جهت ارائه نگاهی تازه و کارگشا به مباحث اخلاقی؛
۵. فراهم آوردن زمینه برای پیش‌بردن چنین مباحثی با تأکید بر نیازهای جامعه.

با توجه به این نکات، سلسله مباحث "امام خمینی علیه السلام و مفاهیم اخلاقی" فراهم آمد لیکن به دلیل تازگی ممکن است پرسش‌هایی را برانگیزاند که از آن استقبال می‌کنیم و همچون امام بر این باوریم که انتقاد و حتی تخطئه در نهایت، به سود انسان است.

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام - دفتر قم

پیش‌گفتار

«الهي هب لي كمال الانقطاع إليك، وأزِرْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ
نَظَرِهَا إِلَيْكَ، حَتَّى تَخْرِقَ أَبْصَارُ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ، فَتَصِلَ
إِلَى مَعْدِنِ الْعِظْمَةِ، وَتَصِيرَ أَرْوَاحُنَا مُعَلِّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ».

این جملات مناجات شعبانیه، فرازهای پایانی و دعای همیشگی استاد
اخلاق مدرسه مبارکه فیضیه قم، یعنی حضرت امام خمینی علیه السلام بود؛ دعایی
که نزدیک به هشت سال، طلاب و فضلاء جوان حاضر در درس ایشان،
در روزهای پنج‌شنبه و جمعه با استاد خود زمزمه می‌کردند.

این استاد اخلاق، محضر بزرگانی چون آیه الله العظمی حاج شیخ
عبدالکریم حائری و میرزا علی کاشانی را درک کرده بود و از دروس
بزرگان اخلاق و عرفان، همچون آیه الله میرزا محمدعلی شاه‌آبادی و
حاج میرزا جواد ملکی تبریزی بهره جسته بود. همین امر موجب شده
بود تا در عنفوان جوانی مراحل تهذیب و مراتب سیر و سلوک عرفانی و
اخلاقی را پشت سرگذارد و به زهد و تقوا و گریز از دایره نام و نان،
شهرت یابد.

او که بعدها در مسجد کوچکی در شهر قم^۱ به تدریس فقه، اصول، فلسفه و عرفان مشغول بود، در دنیاگریزی تا آن جا پیش رفت که حتی اجازه نمی داد به دنبالش راه بیفتند و او را در مسیر همراهی کنند؛ رساله او را از وجوهای شرعیه چاپ کنند؛ نام بزرگی را بدون احترام، نزدش به زبان آورند.

او در عین حال که نماد نجابت و رحمت بود، نماد غیرت هم به شمار می رفت. تعطیلی درس و نگارش کتاب کشف اسرار در برابر یاوه گویی های نویسنده ای دین فروش؛ حمله شدید او به دستگاه رضاخان؛ ارتباط تنگاتنگ او با مجاهد بزرگ حاج شیخ محمدتقی بافقی^۲؛ حضور او در جوانی در مجلس شورای ملی و استماع سخنان شهید مدرس^۳ و مطالعه روزنامه ها و مجلات و پی گیری آخرین اخبار و اطلاعات جهان اسلام و ایران، از ویژگی هایی بود که او را در چشم حوزویان، بزرگ و با شکوه کرده بود.

۱. در آن زمان محل سکونت و تدریس امام منتهی الیه شهر محسوب می شد و پس از منزل ایشان و مسجد سلماسی که محل درس ایشان بود، باغ های شهر قم قرار داشت. این در حالی بود که اغلب بزرگان، در حرم مطهر و مساجد اطراف آن به تدریس مشغول بودند.

۲. آیه الله بافقی عارف و مجاهد بزرگی بود که در مقابل رضاخان ایستادگی کرد و به خاطر اعتراض به بی حجابی همسر رضاخان در حرم حضرت معصومه علیها السلام از دست رضاخان کتک خورد و به تبعید در ری محکوم شد. آیه الله بافقی به حضرت امام ارادت خاصی داشت و بر این اعتقاد بود که ایشان می تواند در مقابل حکومت پهلوی ایستادگی کند. (ر.ک: تاریخ شقایق انقلاب اسلامی، ص ۴۷ - ۴۸)

۳. امام خمینی در این باره می فرمایند: «من خیلی از مجالس را یاد دارم و در بعضی از مجالس هم رفتم به عنوان تماشاچی». (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۰۰)

او کسی بود که تجربه تلخ مشروطیت و نهضت ملی شدن نفت و عوامل حذف روحانیت و موحدان دین‌دار از صحنه سیاست را با همه وجودش درک کرده بود.

سرانجام، در زمانی که بوق‌های استکبار جهانی، دین را افیون جامعه می‌نامیدند و متحجران حوزوی نیز دخالت در سیاست را مترادف بی‌دینی معرفی می‌کردند، او تنها کسی بود که شجاعانه فریاد می‌زد:

دین اسلام، یک دین سیاسی است که همه چیزش سیاست است؛ حتی عبادتش.^۱

سیاست، آینه اخلاق

از منظر امام خمینی علیه السلام سیاست، آینه اخلاق و رفتار و کردار معصومان علیهم السلام است و آنچه جهان امروز با عنوان «سیاست» از آن یاد می‌کند، چیزی جز خدعه و فریب نیست. ایشان در تبیین معنای واقعی سیاست، رفتار و کردار معصومان را عین سیاست می‌شمرد و در ضمن بیان خاطره‌ای، آن را چنین به تصویر می‌کشد:

پاک‌روان^۲ به من گفت، در همان روز آخری که دیگر از حبس بنا بود بیرون بیاییم و به آن حصر وارد بشویم - حبس دوم - گفت که سیاست، دروغ گفتن است، خدعه است، فریب است و کلمه‌اش هم این بود که

۱. کلمات قصار، ص ۳۰.

۲. حسن پاک‌روان، معاون نخست وزیر و رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) که از دوستان و معتمدان شاه به شمار می‌رفت و در آغاز نهضت اسلامی چند بار از سوی شاه مأمور گفت‌وگو با امام گردید.

«پدر سوختگی» است! این را بگذارید برای ما؛ همین جا می‌خواست پدر سوختگی کند؛ یعنی می‌خواست کلاه سر من بگذارد! من گفتم به این معنا که شما می‌گویید، ما هیچ وقت همچو سیاستی را نداشتیم؛ خدعه و فریب و این چیزها. بعد آمد بیرون و منتشر کرد در روزنامه که ما تفاهم کردیم با فلانی و این که دخالت در سیاست نکند. من هم سر منبر گفتم که ایشان این را گفت، من هم این را گفتم؛ بیخود گفته! این‌ها می‌خواهند که ماها را با همین خدعه و فریب که سیاست خدعه است، شما از سیاست کنار بروید.^۱

از منظر امام خمینی علیه السلام:

سیاست خدعه نیست، سیاست یک حقیقتی است. سیاست یک چیزی است که مملکت را اداره می‌کند، خدعه و فریب نیست. این‌ها همه‌اش خطاست؛ اسلام، اسلام سیاست است، حقیقت سیاست است، خدعه و فریب نیست.^۲

امام با ارائه چنین تعریفی، تعریف ضد اخلاقی سیاست را - که به سیاست «ماکیاولی»^۳ شهرت یافته است - خارج می‌کند و مخاطبان خود را متوجه جایگاه سیاست در لسان ائمه اطهار علیهم السلام و فرهنگ شیعه می‌کند. از

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۲۴ - ۱۲۵.

۲. همان، ص ۱۲۵.

۳. ماکیاولی، نیکولودی برناردونی (۱۴۶۹ - ۱۵۲۷م) فیلسوف ایتالیایی، متولد فلورانس، او نظام فلسفی‌ای آورد که با تناقضات آن روزگار مناسبت داشت. ماکیاولی اساس اخلاقیات را واژگون کرد؛ به دنیایی که سرشار از توحید بود صریحاً می‌گفت که بهترین شیوه و خط‌مشی زندگی، بی‌شرافتی است. (بزرگان فلسفه، ص ۳۷۷ - ۳۷۸)

منظر امام، سیاست همان حرکت انبیا و اولیای خداوند در هدایت بشریت، به سوی صلاح و سعادت همه‌جانبه است:

سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد؛ تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد. و این‌ها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاحشان هست؛ صلاح ملت هست؛ صلاح افراد هست.^۱

از منظر امام: «همهٔ مکتب‌های توحیدی برای انسان‌سازی آمده‌اند»^۲ و «اسلام برای تهذیب انسان آمده است؛ برای انسان‌سازی آمده است».^۳

حضرت امام بر این عقیده است که: «ما مکلفیم انسان بسازیم»؛^۴ از این‌رو سیاست امام، سیاست هدایت جامعه بر مبنای آموزه‌های مکتب‌رهایی بخش اسلام است که فلسفه وجودی‌اش «تهذیب» و «انسان‌سازی» است. همچنین فلسفه قیام و کسب قدرت او - که در کتاب ولایت فقیه، در دوران تبعید به آن می‌پردازد - تنها و تنها مبارزه با پلیدی‌ها و پلشتی‌ها، دفاع از خداخواهی و عدالت‌جویی مردم و به محکمهٔ عدل کشاندن متجاوزان به حریم‌های اخلاقی و انسانی است:

اگر امروز قدرت نداریم که جلو این کارها را بگیریم و حرام‌خواران و خائنین به ملت و دزدان مقتدر و حاکم را به کیفر برسانیم، باید

۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۴۳۲.

۲. همان، ج ۷، ص ۵۳۱.

۳. همان.

۴. همان.

کوشش کنیم این قدرت را به دست بیاوریم.^۱

در اندیشه سیاسی امام، بروز ناهنجاری‌های اجتماعی و رفتارهای غیر اخلاقی، غیر انسانی و غیر اسلامی، زائیده منکرات بزرگی چون حاکمیت دولت مردان فاسد و فاجری است که جز به خود و منافع خود نمی‌اندیشند. در این اندیشه «پشه‌ها نخواهند مرد مگر این‌که مزبله خشکانده شود»؛ از این رو، حضرت امام بر این باور بود که مبارزه با معلول‌ها و منکرات کوچک، مبارزه‌ای فرسایشی و بی‌نتیجه است و چاره‌ای نیست جز این‌که به سراغ علت العلل مفسد و منکرات بزرگ برویم:

در اذهان ما فرو رفته که منکرات فقط همین‌هایی هستند که هر روز می‌بینیم یا می‌شنویم؛ مثلاً اگر در اتوبوس نشسته‌ایم موسیقی گرفتند، یا فلان قهوه‌خانه کار خلافی را مرتکب شد، یا در وسط بازار کسی روزه خورد، منکرات می‌باشند و باید از آن نهی کرد؛ و به آن منکرات بزرگ توجه نداریم؛ آن مردمی را که دارند حیثیت اسلام را از بین می‌برند حقوق ضعفا را پایمال می‌کنند.^۲

حضرت امام تنها راه عملی شدن هنجارهای اسلامی و مبارزه با مفسد اخلاقی در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... را برپایی حکومت اسلامی می‌دانستند؛ حکومتی بر پایه قانون که متصدی آن کارشناسان دین و اخلاق به شمار روند:

چون حکومت اسلام، حکومت قانون است، قانون‌شناسان، و از آن بالاتر

۱. ولایت فقیه، ص ۱۰۴.

۲. همان، ص ۱۰۶.

دین‌شناسان، یعنی فقها، باید متصدی آن باشند؛ ایشان هستند که بر تمام امور اجرایی و اداری و برنامه‌ریزی کشور مراقبت دارند. فقها در اجرای احکام الهی امین هستند.^۱

تفکیک ناپذیری اخلاق از سیاست

تفکیک ناپذیری دین و به تبع آن اخلاق الهی و اسلامی از سیاست، ریشه در نگرش واقع‌بینانه امام راحل نسبت به رسالت پیامبران الهی داشت؛ پیامبرانی که بر اساس نص صریح قرآن برای مبارزه با شرک و بت‌پرستی،^۲ اجرای قسط و عدالت،^۳ و تزکیه و تعلیم بشر^۴ و امانده از ارزش‌ها و دور شده از اخلاق، مبعوث شده بودند. این منظره از نگاه امام چنین چشم‌اندازی دارد:

اساساً انبیاء خدا - صلوٰة الله و سلامه علیهم - مبعوث شدند برای خدمت به بندگان خدا؛ خدمت‌های معنوی و ارشادی و اخراج بشر از ظلمات به نور و خدمت به مظلومان و ستم‌دیدگان و اقامه عدل؛ عدل فردی و اجتماعی.^۵

حضرت امام در جایی دیگر، یک‌سو نگرایی به اسلام و نگرش تک‌بُعدی به مکاتب الهی و رسالت پیغمبران را ریشه اساسی همه ناهنجاری‌های

۱. همان، ص ۶۱.

۲. ﴿قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا أُشْرِكَ بِهِ﴾؛ رعد (۱۳): ۳۶.

۳. ﴿وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾؛ حدید (۵۷): ۲۵.

۴. ﴿يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾؛ جمعه (۶۲): ۲.

۵. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۶.

فردی و اجتماعی و تباهی اخلاق و معنویت و به تبع آن، حاکمیت فرهنگ و اخلاق بیگانه می‌داند:

آنچه گفته شده و می‌شود که انبیاء علیهم‌السلام به معنویات کار دارند و حکومت و سر رشته داری دنیایی مطرود است و انبیا و اولیا و بزرگان از آن احتراز می‌کردند و ما نیز باید چنین کنیم اشتباه تأسف‌آوری است که نتایج آن به تباهی کشیدن ملت‌های اسلامی و باز کردن راه برای استعمارگران خون‌خوار است؛ زیرا آنچه مردود است، حکومت‌های شیطانی و دیکتاتوری و ستمگری است.^۱

بر اساس همین نگرش، امام راحل بر این باور بود که:

ما مکلفیم به این‌که در امور دخالت کنیم ما مکلفیم در امور سیاسی دخالت کنیم، مکلفیم شرعاً؛ همان‌طور که پیغمبر می‌کرد؛ همان‌طور که حضرت امیر می‌کرد.^۲

با توجه به تعریف امام از دین و سیاست و اعتقاد به انفکاک ناپذیری این دو، سیاست بدون اخلاق را نمی‌توان سیاست نامید. همچنین نگاه یک‌جانبه به اخلاق و محصور کردن اخلاق در حوزه فردی را نمی‌توان اخلاقی نامید که پیامبران به خاطر آن مبعوث شدند و ائمه و اولیای خداوند در راه آن فداکاری کردند.

۱. همان، ج ۲۱، ص ۴۰۷.

۲. همان، ج ۱۵، ص ۱۶.